



- Lesson 1: Grammar Focus
- **Countable/ Uncountable Nouns**



COUNTABLE



☺ به اشیا ، افراد و مکان هایی که می توان آنها را به صورت
افلام منفرد شمارش کرد **اسامی قابل شمارش** می گویند.



اسم های قابل شمارش را می توان مستقل شمارش کرد ، مثلا
: یک کتاب / دو مداد / سه سیب

اسم های قابل شمارش شکل مفرد و جمع دارند و در شکل
مفرد باید حتما با a/an بیایند ، مگر اینکه یک وابسته پیشرو
(صفت ملکی ، صفت اشاره ، حرف تعریف the)

I read a book every week. I like books.

S.C.N

P.C.N



UNCOUNTABLE

اسامی غیر قابل شمارش را نمی توان به تنهایی شمرد و برای شمردن آنها نیاز به یک معیار هست. مثال: یک کیلو گوشت

اسم های غیر قابل شمارش شکل جمع ندارند و همیشه با فعل مفرد به کار می روند. این اسم ها به جز در موارد استثنا در کنار a/an قرار نمی گیرند.



It wasn't your fault. It was bad luck.
(NOT ... It was a bad luck.)

مقایسه اسمی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسمی غیر قابل شمارش

۱. اسم های اکثری که حالت، وضعیت یا مفاهیم را

نشان می دهند.

anger- education- time

۲. اسم های مربوط به جنس و مواد

Wood- meat- sand

۳. اسم های گازها و مایعات

Smoke- air- blood

۴. فعالیت ها

Jogging- research- work

اسمی قابل شمارش

۱. جانوران (انسان، حیوان، گیاه)

an actor- a dog- a tree

۲. اشیا

a mountain- a table- a house

۳. اتفاقات، رویدادها و مراسم

an accident- a mistake- a game

۴. واحدهایی که برای شمارش یا دسته بندی به کار

میروند

A kilo- a city- a sentence

novation



اسامی که در انگلیسی غیر قابل شمارشند ولی در فارسی به شکل قابل شمارش به کار می روند

- Advice baggage bread cash damage
- Furniture homework information luck
- Luggage money news permission
- Progress rubbish traffic weather work

VISION
Creativity

معنی هببر قابل شمارش	اسم	معنی قابل شمارش
گوشت مرغ یا جوجه به عنوان غذا	chicken	جوجه به عنوان یک حیوان
قهوه یا چای به طور کلی	Coffee or tea	یک فنجان قهوه یا چای
تجربه در مفهوم کلی	experience	چیز یا چیزهایی که برای کسی اتفاق افتاده
شیشه	glass	لیوان
مو به طور کلی	hair	یک یا چند تار مو
کمک در مفهوم کلی	help	کسی یا وسیله ای که به ما کمک می کند
تور	light	چراغ
کاغذ	paper	روزنامه
فضا و جا	room	اتاق
زمان در مفهوم کلی	time	یک دوره زمانی خاص / دفعه، مرتبه
تکرار در مفهوم کلی	thought	ایده یا عقیده
کار	work	اثر ادبی یا هنری



Examples



The window is made of unbreakable glass. •

• این پنجره از شیشه نشکن ساخته شده است.

Would you like a glass of water? •

• آیا یک لیوان آب می‌خواهید؟

They didn't offer me the job because I don't have much experience. •

• آنها آن شغل را به من پیشنهاد نکردند چون تجربه چندانی نداشتم.

I had interesting experience while I was in Africa. •

✓ وقتی از یک اسم غیر قابل شمارش به طور کلی حرف می‌زنیم، غیر قابل شمارش می‌ماند ولی در بعضی مواقع وقتی از یک اسم غیر قابل شمارش (مشتق و به خصوص) حرف می‌زنیم، آن را با a/an می‌آوریم.

I can't wait. I don't have time. •

• نمیتوانم صبر کنم. وقت ندارم.

Enjoy your holiday. Have a good time. •

• تعطیلات خوش بگذرد. اوقات خوبی داشته باشی.

Life is complicated. •

• زندگی پیچیده است.

He has had a really difficult life. •

• او زندگی بسیار سختی داشته است.



Thank you !